



Femininity, Identity and Memory: An Analysis of André Brink's *Imagings of Sand* Based on Narrative Therapy

Zakarya Bezdoode^{1✉} Mozhgan Sazvar²

1. Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: z.bezdodeh@uok.ac.ir

2. Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: mojgan.sazvar@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	South Africa, known as "Rainbow Nation" because of its different ethnicities, has faced several political, cultural and national challenges in the past three decades since the onset of the post-apartheid era. This situation is pervasive in contemporary South African literature and has become a controversial topic for most of the writers of this period, especially André Brink. In <i>Imagings of Sand</i> , the identity crisis of Afrikaner women is portrayed and a complex network of narratives of nationality, identity and femininity has formed. Being founded upon narrative therapy, the present study explores how the reviewing of memories is entangled with the mental defects of characters in <i>Imagings of Sand</i> . Narrative therapy, particularly from the viewpoint of Michael White (1948-2008), is an interdisciplinary method in medical humanities that deals with the pathology of mind and the role of narrative in the revival of memory and identity. Accordingly, the contradictions and identity crises in the broken narratives of three generations of women narrators in this novel have been discussed and analyzed.
Article history: Received 11 April 2021 Received in revised form 01 September 2021 Accepted 06 September 2021 Published online January 2023	
Keywords: identity, André Brink, Afrikaner women, memory, narrative therapy, Michael White.	

Cite this article: Bezdoode Zakarya and Sazvar Mozhgan. "Femininity, Identity and Memory: An Analysis of Andre Brink's *Imagings of Sand* Based on Narrative Therapy". *Research in Contemporary World Literature*, 27, 2, 2023, 791-823, -.DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.321827.2134>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.321827.2134>

زنانگی، هویت و خاطره‌گویی: بررسی رمان تصورات شن آندره برینک بر مبنای

روایت‌درمانی

زکریا بزدوده^۱ مژگان سازوار^۲

۱. گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان سنندج، ایران. z.bezdodeh@uok.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان سنندج، ایران. mojgan.sazvar@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	آفریقای جنوبی، کشوری که به دلیل داشتن قومیت‌های مختلف لقب «ملت رنگین کمان» را به خود گرفته است، در سه دهه‌ی اخیر و پس از گذار به دوره‌ی پساآپارتایدی، با چالش‌های سیاسی، فرهنگی، ملی، هویتی و جنسیتی متعددی مواجه بوده است. این وضعیت در ادبیات معاصر آفریقای جنوبی نیز رسوخ کرده و یکی از موضوعات بحث برانگیز برای بیشتر نویسندگان این دوره بویژه آندره برینک شده است. جهت گذر از این وضعیت بحرانی، آندره برینک از روش بازنویسی، بازخوانی و مرور تاریخ با استفاده از شیوه‌های بازگویی منحصر به فرد در رمان‌های دوره‌ی پساآپارتاید استفاده کرده است. بازگویی خاطره‌ها یکی از این روش‌ها است که او در بیشتر آثار پساآپارتایدی مانند تصورات شن (۱۹۹۶)، حق تمنا و آرزو (۲۰۰۰)، پیش از آنکه فراموش کنم (۲۰۰۴) و زندگی‌های دیگر (۲۰۰۸) به کار برده است. در رمان تصورات شن، بحران هویت زنان آفریکانر به نمایش گذاشته شده است و شبکه‌ای پیچیده از روایت‌های ملیت، هویت و زنانگی شکل گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی چگونگی بازگویی خاطرات و اختلالات روانی شخصیت‌ها در رمان تصورات شن از منظر نظریه‌ی روایت‌درمانی می‌پردازد. روایت‌درمانی بویژه از منظر مایکل وایت (۲۰۰۸-۱۹۴۸) رویکردی بینارشته‌ای در علوم انسانی پزشکی است که با آسیب‌شناسی سلامت ذهنی و روانی سر و کار دارد و به نقش روایت در بازیابی حافظه و بازسازی هویت می‌پردازد. بر همین اساس، تناقض‌ها و تنش‌های هویتی در روایت‌های از هم گسیخته‌ی سه نسل از زنان راوی در این رمان بررسی و تحلیل شده‌اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰	
کلیدواژه‌ها: هویت، آندره برینک، زنان آفریکانر، خاطره، روایت‌درمانی، مایکل وایت	

استناد: بزدوده زکریا و سازوار مژگان. "زنانگی، هویت و خاطره‌گویی: بررسی رمان تصورات شن آندره برینک بر مبنای روایت‌درمانی". پژوهش ادبیات معاصر جهان ۲۷، ۲، ۱۴۰۱، ۱۰۲۱-۱۰۴۰.

۱۴۰۱، ۱۰۲۱-۱۰۴۰

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.321827.2134>



۱. مقدمه

اصلی‌ترین دغدغه‌ی آندره برینک^۱ (۱۹۳۵-۲۰۱۵) به عنوان یک نویسنده‌ی سفید پوست آفریقایی جنوبی، در آثار داستانی و نثر غیرداستانی، مبارزه با نظام آپارتاید آفریقایی جنوبی است. او در نوشته‌های دوره‌ی آپارتاید و پساآپارتاید خود همواره ایدئولوژی سیاسی، فرهنگی و مذهبی آپارتاید را که برگرفته از دکترین کالوینیستی قرن هفدهم بود به چالش می‌کشد. طبق استدلال رابرت راس (۱۹۸۷) و جیلا دوبوسووا (۲۰۰۹) این ایدئولوژی در اواخر قرن نوزدهم برای وحدت سفیدپوستان آفریقایی جنوبی یا به عبارتی کسانی که به زبان آفریکانز^۲ سخن می‌گفتند و اصالتا هلندی بودند، ظهور کرد. آموزه‌ی کالوینیستی "قوم برگزیده خدا" الهام گرفته از کتاب مقدس برای قانونی کردن تفکیک نژادی و حمایت از برتری در آفریقایی جنوبی توجیه مناسبی بود. این قوم از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ که نلسون ماندلا به قدرت رسید، حاکمیت این کشور را در دست داشتند. تفکیک نژادی و چند دستگی مهمترین عاملی بود که سرانجام باعث سقوط این نظام شد. این چند دستگی‌ها متشکل از گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند سیاه پوستان، سفید پوستان انگلیسی زبان و آفریکانرهای معارض بودند. آن‌گونه که دیالا (۲۰۰۵) بیان می‌کند، در این بین گروهی از نویسندگان آفریکانر ضد آپارتاید که آندره برینک نیز یکی از آنها بود و به گروه جنبش ادبی آفریقایی دهه ۱۹۶۰ معروف بودند، به عنوان فعالان فرهنگی، بر آگاهی مردم نسبت به نظام آپارتاید آفریقایی جنوبی و غیرانسانی بودن آن می‌افزودند. به زعم لوو (۱۹۷۳) آنها تلاش می‌کردند ایدئولوژی رهبران سیاسی آفریکانرها را خفت‌آمیز جلوه دهند و نه تنها آپارتاید را به عنوان یک سیستم ضد انسانی ترسیم می‌کردند بلکه گویش آفریکانر که حالتی ملی‌گرایانه و مقدس داشت را با استفاده از توصیفات شهوت‌آمیز به چالش می‌کشیدند. آنها با قوانین سرسخت سانسور و تبعید روبرو شدند. به گفته‌ی آلیس بریتون (۲۰۰۵)، برینک با انتخاب زبان اروتیک رمان-هایش علیه سانسور و تابوهای اجتماعی برمی‌خیزد که خود نوعی مقاومت سیاسی تلقی می‌شود. به این ترتیب که با استفاده از زبانی اروتیک تلاش می‌کرد در مقابل قوانین سخت‌گیرانه‌ی سانسور مقاومت و اعتراض کند. جی ام کوئتری که خود یک نویسنده‌ی سفید پوست آفریقایی جنوبی و ضد آپارتاید است می‌گوید اوج و گسترش سانسور توسط سازمان‌های سیاسی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود؛ آندره برینک برای مخالفت با سیاست‌های سانسور در صف مقدم قرار گرفت. در نوشته‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ او که همسو با دیگر نویسندگان روشنفکر اروپای شرقی بود مخالفت و مقاومت بیشتری به چشم می‌خورد. به باور برنر (۱۹۸۴)، او به عنوان یک نویسنده، همیشه نظام آپارتاید را جدا از آفریکانرها می‌دانست تا ثابت کند این حاکمان نماینده‌ی آنها

1. André Brink

2. Afrikaans

نیستند. وی در مصاحبه‌ای تحت عنوان «گفتگوی نویسندگان آفریقای جنوبی: نادین گوردیمر،^۱ ایسکیا مفالیلی،^۲ و آندره برینک» به وضعیت نویسندگان در آفریقای جنوبی و سختی‌هایی که آنها به خاطر قوانین سانسور در این کشور متحمل شده‌اند اشاره می‌کند. بنابراین وی برای گریز از قوانین سانسور به دو زبان آفریکانز و انگلیسی نوشت و برای نسخه‌ی انگلیسی رمان *شایعه‌های باران* (۱۹۷۸) جایزه سی ان ای^۳ را دریافت کرد (۱۹۷۹). برینک می‌گوید اگر نویسنده‌ای خود را در جامعه‌ای بسته و سرکوبگر ببیند، ممکن است موضع کاملاً متفاوتی داشته باشد «از آنجا که خودم را در چنین شرایطی می‌بینم، نظرات من به‌طور خاص از این تجربیات گرفته شده است» ("تعهد" ۲۷).

آنت و پیتر هورن در مقاله‌ی "شجره‌نامه‌ی زنان در تصورات شن آندره برینک" (۲۰۰۵) داستان‌هایی که توسط زنان آفریکانز گفته شده‌اند را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که این داستان‌ها بنیان شجره‌نامه‌ی مردان را از هم می‌پاشند و شجره‌نامه‌ی زنان را بنا می‌کنند. به زعم آنها در داستان‌های اوما به دلیل تنوعی که در شیوه‌های بازگویی وجود دارد، هم خواننده و هم نویسنده مانند هم از قصه‌ها شگفت‌زده می‌شوند. در رمان *تصورات شن*، برینک نیز از خرده روایت‌های چندصدایی استفاده کرده است. او زنانی را به عنوان راوی انتخاب کرده است که هر کدام خاطرات خود را بیان می‌کنند، خاطراتی که برگرفته از سایه‌ی شوم مردان حاکم بر زندگی آنهاست. راویان زن خاطرات خود را در قالب داستان تعریف می‌کنند زیرا آنها باور دارند که تنها از طریق گفتن و شنیدن قصه‌ها، آنها ارزش واقعی خود را پیدا می‌کنند.

تانو در مقاله‌ای با عنوان "صدای زنان سفیدپوست پیش از میراث آپارتاید در رمان تصورات شن آندره برینک" به ویژگی‌های جادویی داستان‌های این رمان پرداخته و وضعیت زنان سفیدپوست در فضای مردسالارانه‌ی دوره‌ی آپارتاید را بررسی کرده است. به زعم او "اکنون تمرکز اساساً روی بسیاری از داستان‌هایی قرار گرفته است که ناگفته مانده‌اند، داستان‌های زندگی و تجربیات زنان مظلوم و حاشیه‌ای که توسط نظام آپارتایدی از مستندات تاریخی حذف شده بودند" ("صدای زنان سفیدپوست" ۱۱۵). از نظر نگارنده‌ی این مقاله این شیوه‌ی داستان‌گویی بیشتر از آنکه واجد ویژگی‌های درمانی باشد، تلاشی است برای بازنویسی تاریخی فراموش شده و به حاشیه رانده شده. اوما تلاش می‌کند تا از طریق داستان‌هایی با ویژگی‌های جادویی، تاریخ واقعی را به نسل بعدی که کریستین نماینده‌ی آن است انتقال دهد. شلی دیکسون نیز در مقاله‌ی "روایت‌ها یا تاریخ؟؛ ضد روایت‌های زنانه در تصورات شن آندره برینک" (۲۰۰۴) نیز رویکرد مشابهی

1. Nadine Gordimer

2. Es'kia Mphahlele

3. CNA Reward

را برای بررسی داستان‌های اوما در این رمان به کار برده است. اما دیکسون بر خلاف دنانو داستان‌ها را در قالب مثلث حافظه، روایت و هویت بررسی کرده است که با توجه به ارتباط نگاه او با پژوهش حاضر در ادامه از او بیشتر نقل خواهد شد. از میان دیگر پژوهشگران که به بررسی داستان‌های زنانه در این رمان پرداخته‌اند پاتولینا گرزدا (۲۰۱۲) و سو کوسو (۱۹۹۷) را می‌توان نام برد که در ادامه بیشتر از آنها نقل خواهد شد.

در ادامه با بررسی رمان تصورات شن آندره برینک تلاش می‌کنیم با بررسی وضعیت سوژه‌ی آفریکانر در دوره‌ی پساآپارتاید در آفریقای جنوبی به راهکارهای هویت بخشی و بازسازی هویت در نمونه‌ی آثار داستانی این دوره بپردازیم. بازگشت به گذشته و بازسازی خاطرات یکی از این راهکارهاست که برینک از آن، هم در دوره‌ی آپارتاید و هم پساآپارتاید، به فراوانی استفاده کرده است. رمان تصورات شن بویژه از این منظر بسیار قابل تأمل است زیرا در بازسازی گذشته از روایت‌های سه نسل از زنان سفید پوست آفریکانر استفاده کرده است. در داستان‌هایی که این زنان به ویژه مادر بزرگ اوما از گذشته روایت می‌کنند ویژگی‌های درمانگرانه وجود دارند که تحلیل و بررسی آنها از منظر روایت‌درمانی ارزشمند است.

روایت درمانی و بازسازی هویت

روایت درمانی نظریه‌ای نوین در علوم انسانی پزشکی^۱ است که اساسا به آسیب شناسی سلامت ذهنی و اختلالات روانی می‌پردازد و نقش مهمی در بازیابی حافظه و بازسازی هویت دارد. این رویکرد بینارشته‌ای، که توسط روان درمانگر و مددکار اجتماعی، مایکل وایت، و همکارش دیوید اپستون طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مفهوم علمی پیدا کرده است، روی برون فکنی مشکل^۲ تأکید دارد. برون ریزی مشکل روشی در روایت‌درمانی برای تداعی خاطرات گذشته است که این توانایی را به انسان می‌دهد فراموشی حافظه را ترمیم و بازسازی کند و هویت فردی را دوباره شکل دهد. برون‌ریزی مشکل با استفاده از زبان گفتاری یا نوشتاری و از طریق ساختارزدایی کردن از تجربیات آسیب‌زای زندگی با هدف بازگرداندن هویت، ایجاد روایت داستان زندگی در فرد صورت می‌گیرد. از نظر استیون مادیگان، روایت درمانی هویت را از قالبی ایدئولوژیکی خاص که توسط نظام اجتماعی غالب ساخته شده است بیرون می‌آورد و تلاش می‌کند با بازگویی متفاوت، آن را ساختار شکنی کند و با زبانی متفاوت هویتی متفاوت برای فرد بسازد (۳۳۹).

حافظه پدیده‌ای چند بعدی و حیاتی‌ترین و همچنین پیچیده‌ترین بخش در فرد است. در انسان‌ها، از دست دادن حافظه به دلیل فراموشی شدید یا زوال عقل یا هر دلیل دیگری به موازات از دست دادن هویت است. از نظر جان لاک، معیار هویت با حافظه‌ی شخص سنجیده می‌شود، زیرا فرد می‌تواند به طور ذهنی به

¹. Medical Humanities

². Externalizing the problem

عقب سفر کند و وقایع گذشته را به یاد بیاورد، وقایعی که به هویت شخص تعلق دارد، زیرا درک ما از خود براساس خاطرات و تجربیات گذشته صورت می‌گیرد (جانگرت ۱۳۳). البته در ارتباط با حافظه، هویت شخصی مفهوم واحدی ندارد. جانگرت انواع هویت را به چهار دسته‌ی هویت فردی،^۱ هویت همزمانی،^۲ هویت درزمانی^۳ و هویت زندگی‌نامه‌ای^۴ تقسیم کرده است. هویت زندگی‌نامه‌ای، که در پژوهش حاضر به طور خاص به آن پرداخته‌ایم، ارتباط تنگاتنگی با حافظه دارد و به شخص این امکان را می‌دهد تا جزئیات متعددی از وقایع گذشته را از منظر فعلی به خاطر بیاورد تا گذشته را از نظر ذهنی دوباره تجربه کند (۱۳۱).

از نظر مادیگان (۱۹۹۷)، حافظه بخشی پیچیده از هر انسان است که نمی‌توان آن را به راحتی ارزیابی کرد زیرا امکان خطاپذیری و پنهان کاری در حافظه‌ی انسان وجود دارد اما می‌توان آن را اجتماعی تربیت کرد. البته «این ایده که حافظه به‌طور اجتماعی ساخته می‌شود، سوالات زیادی را در مورد سوگیری نظریه و شیوه‌ی روانشناسی مدرن ایجاد می‌کند» (۳۵۱). به زعم مادیگان، رابطه‌ی معینی بین جایگاه حافظه در حوزه‌ی اجتماعی با روایت درمانی در کشف مشکلات به اصطلاح «روانشناختی» و هویت افراد وجود دارد. از این منظر، روانشناسان روی اینکه «چگونه و از چه طریقی خاطرات درونی می‌شوند» تمرکز می‌کنند (۳۴۰). بنابراین، رابطه‌ی نزدیک بین حافظه و به خاطر سپردن وجود دارد زیرا هر دوی آنها به هم مرتبط هستند. از نظر مادیگان، همان‌گونه که ساختارگرایان معتقدند، هنگام صحبت از حافظه و عمل یادآوری در یک گفتمان فرهنگی، حافظه آسان و روان عمل نمی‌کند. در اینجا مسأله‌ی حافظه فقط یادآوری نیست که از اعماق ذهن ما می‌آید. «حوزه‌ی یادآوری احتمالی وسیع است و مستقیماً تحت تأثیر دیدگاه گفتمانی قرار می‌گیرد. چه کسی، چه چیزی، کجا، چگونه و چرا خاطرات به خاطر سپرده می‌شوند؟ مستقیماً از طریق دیگران درک می‌شوند» (۳۴۱-۳۴۰). خاطرات ارتباطی تنگاتنگ و پیچیده با نژاد، طبقه و جنسیت دارند.

با این حال، در حوزه‌ی روان‌درمانی، روایت‌درمانی با خاطرات سرکوب شده و مشکل‌ساز افراد سروکار دارد و در تلاش است تا با برون‌ریزی مشکل و عمل یادآوری، شکل جدیدی از روایت را ایجاد کند که در آن می‌توان مشکلات را شناسایی کرد. نگاهی مختصر به پژوهش‌هایی مانند طاهری و فهیم کلام (۱۳۹۹)، که به بررسی ادبیات از نگاه روایت‌درمانی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که در این حوزه تنوع قابل توجهی وجود دارد. در ادامه، ضمن رجوع به آراء مایکل وایت، تلاش می‌کنیم شیوه‌ی برون‌ریزی مشکل و هویت‌سازی را

1. Criteria for personhood

2. Synchronic identity

3. Diachronic identity

4. Biographical identity

در راوی-شخصیت‌های برینک در رمان *تصورات شن* بررسی کنیم. هویت‌های سرکوب شده‌ی شخصیت‌ها، تداعی خاطرات و تجربه‌های زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها در این رمان قابل تأمل است. شخصیت‌هایی که راوی خاطرات قدیمی خود هستند تاریخ، نحوه زندگی و ارزش‌های خود را که طی نظام آپارتاید نادیده گرفته شده‌اند را از نو بازسازی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های متمایز این بازیابی خاطرات و گذشته، ارتباط آنها با گفتمان‌های سیاست و زنانگی در آفریقای جنوبی در دوره‌ی آپارتاید و در دوره‌ی گذار به پساآپارتاید در اوایل دهه‌ی نود میلادی در آفریقای جنوبی است.

۲. بحث و بررسی

داستان‌گویی، درمان و هویت‌بخشی

تصورات شن اولین رمان پساآپارتایدی آندره برینک است که گذر از یک دوره به دوره‌ی دیگر یعنی از آپارتاید به پساآپارتاید را نشان می‌دهد. برخلاف دیگر رمان‌های برینک، شخصیت‌های اصلی این رمان زنان آفریکانر هستند که خفقان گذشته را با صدای یک زن به گوش خوانندگان می‌رسانند. راوی اصلی رمان، کریستین مولر است که مدت‌ها در تبعید خودخواسته در لندن به سر برده است. وی به تازه‌گی به زاده گاه خود، آفریقای جنوبی، برگشته است و حاوی روایتی از سه نسل از زنان در خانواده است که برگرفته از خاطرات مادر بزرگش، اوما کریستینا، است. در روایت کریستین، گذشته و حال به هم تنیده می‌شوند تا شکلی بهتر از هویت زن به ویژه زن آفریکانر ارائه شود. او که مانند هزاران آفریکانر دیگر در دوره‌ی آپارتاید سرزمین مادری را ترک کرده بود، حال پس از یازده سال، درست چند روز قبل از انتخابات آزاد آفریقای جنوبی پس از سقوط نظام آپارتاید به وطن بازگشته است، بازگشتی که او خود از آن به عنوان "بازگشت بزرگ"^۱ (۱۳) یاد می‌کند. بازگشت کریستین نه تنها با جنبش سیاسی در بیرون بلکه با انقلابی در درون او نیز همراه است. زمانی او از واقعیت‌های تلخ نابرابری در آفریقای جنوبی که توسط یک نظام نژاد پرست و تبعیدگرا اداره می‌شد فرار کرده و به سرزمین دیگری پناه برده بود. اکنون هجرت و دوری، از آن دختر رنجور و شکننده یک فرد توانا و خود باور ساخته است که همپای مردان در کنگره‌ی ملی آفریقا برای مبارزه با آپارتاید شرکت می‌کند تا صدای خفته‌ی زن آفریکانر را احیاء کند. هنگامی که کاسپر^۲ به عنوان نماد تمام عیار فکر و نگاه آپارتایدی، با چنین روحیات قوی کریستین مواجه می‌شود به او می‌گوید رفتار مردانه "مناسب شما نیست" (۵۴). اما کریستین دیگر به این گونه نگاه‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه اهمیت نمی‌-

1. Great return

2. Casper

دهد و تلاش او برای احیای هویت زن به اینجاها ختم نمی‌شود بلکه با سفر به گذشته از طریق خاطرات مادر بزرگش به هویت زن عینیت می‌بخشد.

خاطرات اوما کریستینا آمیخته‌ای از رویدادهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و فردی است که در حافظه‌ی نیمه هوشیارش ذخیره شده است. او روزهای آخر زندگی‌اش را در بستر بیماری می‌گذراند و کریستین، که لقب او را یدک می‌کشد، را از لندن فراخوانده است تا خاطراتش را بنویسد. کریستین می‌گوید:

من برای او فقط نوه‌ای دوست‌داشتنی نبودم، بلکه کسی بودم که انتخاب شده بود تا او بار مسئولیت را بر دوشش بگذارد. البته بسته به نگاه فرد، گوش سپردن به بازگویی خاطرات و خیال‌پردازی‌های مادر بزرگ درباره‌ی خانواده می‌توانست نه تنها مسولیت نباشد، بلکه سبب لذتی فراوان نیز بشود. (۱۶)

بنابراین کریستین بی‌دلیل نام او را یدک نمی‌کشد؛ همانا بودن او با مادر بزرگ دلالتی است بر تداوم راهی که هنوز به پایان نرسیده است و لازم است کریستین آن را ادامه دهد. نامگذاری دو نفر از دو نسل متفاوت بیانگر این است که علی‌رغم تعلق داشتن به دو دوره‌ی تاریخی و زندگی در دو وضعیت متفاوت، نتوانسته است در دغدغه‌ها و مشکلات پیش روی دو زن آفریکانر تفاوت چندانی ایجاد کند؛ تفاوت‌ها مانند تفاوت جزئی در نام‌ها است. البته با مرگ اوما کریستینا این همبستگی پررنگ‌تر می‌شود و این را می‌توان در گردهمایی سفیدپوستان و سیاهان در مجلس ترحیم او به صورتی نمادین مشاهده کرد. بازسازی خاطرات قدیمی اوما این را آشکار می‌سازد که جد مادری او سیاه پوست بوده است که با مردی سفید پوست ازدواج کرده بود. این ارتباط بیانگر موقعیت حساس آفریقایی جنوبی که روزهای انتقال قدرت را از سفید پوستان به سیاه‌پوستان می‌گذراند، است، موقعیتی که در آن آفریکانرهای سفید پوست به تدریج به حاشیه رانده می‌شدند. سفید پوستانی که از طریق گفتمان برتری جویانه شکل گرفته بودند و خود را فاتحان و حاکمان اصلی آفریقایی جنوبی می‌دانستند و این همیشه در ضمیر ناآگاه آنها وجود داشت. سرانجام، فروپاشی نظام آپارتاید و از دست دادن جایگاه در قالب حاکم و استعمارگر آنها را به این فکر واداشت که در دوره‌ی حاضر دیگر به این سرزمین تعلق ندارند و باید به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کنند (بزدوده و نجومیان ۱۳۹۰).

در *رمان تصورات* شن از دست دادن تعلق خاطر نسبت به سرزمین و احساس اقلیت بودن در شخصیت کاسپر نمود یافته است. او طرفدار سیستم آپارتاید و نماد کامل یک آفریکانر زبان نژادپرست و مادی‌گرا است که وفاداری زناشویی را با لذت طلبی خودخواهانه زیر پا می‌گذارد. طبق روایت کریستین، تمامی این رفتارها الگو گرفته از سران استعمارگر آفریقایی است که در او شکل گرفته است. سرانجام، نویسنده هجرت از سرزمین را در مورد کاسپر با مرگ او به نمایش می‌گذارد. زمانی او سبب اصلی ترک از وطن کریستین بود اکنون به دست زنش آنا، خواهر کریستین، شب قبل از انتخابات دمکراتیک آفریقایی جنوبی به قتل می‌رسد.

هنگامی که آنا قصد تجاوز شوهرش به کریستین را می‌شنود، دیگر تحمل زندگی با این فرد متجاوز را در خود نمی‌بیند و به زندگی او، بچه هایشان و خود پایان می‌دهد. پائولینا گرزدا معتقد است نابودی کل خانواده و سپس خودکشی خود آنا را می‌توان نوع دیگری از ادعای حقوق زنان دانست که توسط برینک در این رمان مطرح شده است. آنا خود را در دام ازدواج ظالمانه با یک شوهر مستبد احساس می‌کند، طوری که آزادی فکری و عملی را از او گرفته است و نقش او فقط به خانه‌داری و مادر بودن خلاصه می‌شود. آنا باور داشت که او هیچ‌وقت در زندگی حتی نامی از خودش نداشته است (۷۹). او می‌گوید: «زندگی من با اسم پدرم آغاز شد. سپس او مرا مانند برخی از اشیا مبادله‌ای به کاسپر منتقل کرد» (برینک، تصورات شن ۲۷۹). طبق استدلال گرزدا، «در چنین شرایطی، خودکشی او و قتلی که مرتکب شد به طور نمادین عمل پس گرفتن حق اساسی تصمیم‌گیری برای خود را تجسم می‌بخشد و می‌تواند به عنوان عصیان علیه جامعه‌ی مردسالار تعبیر شود» (۷۹). همان‌طور که کریستین روایت می‌کند، برای مقابله با چنین جامعه‌ی «تنها کاری که می‌توانست انجام دهد این بود که خودش را نابود کند» (۲۸۹).

اما خودکشی آنا رویدادی خارج از قاعده است و در چهارچوب معادلات قدرت نمی‌توان آن را تفسیر کرد. در بررسی پیش رو، بیشتر تمرکز روی مناسبات قدرت و روابط مبتنی بر رهیافت‌ها و دیدگاه‌های مایکل وایت است. در اندیشه‌ی فوکو، که مبنای نگاه و شیوه‌ی درمانی وایت است، قدرت به تنهایی معنا و مفهومی ندارد و همواره نسبت معناداری با دانش دارد. دانش ابزار ابراز قدرت است و قدرت همیشه تابع دانش است. تمامی روابط و مناسبات قدرت از طریق دانش صورت می‌گیرد. وایت به عنوان یک روان‌درمانگر و مددکار اجتماعی، بخش‌هایی از نظریه‌ی روایت‌درمانی را بر اساس دیالکتیک «قدرت و دانش» فوکو تعریف کرده است. وایت به روابط بنیادین دانش و قدرت می‌پردازد و از فوکو نقل می‌کند که «ما عموماً از طریق عادی‌سازی «حقایقی» که زندگی و روابط ما را شکل می‌دهند، تأثیرات مثبت یا بنیادین قدرت را تجربه می‌کنیم» (۱۹). برخلاف فوکو که به تأثیرات منفی گفتمان قدرت اشاره می‌کند و به ویژگی‌های سرکوبگرانه‌ی آن می‌پردازد، وایت به تأثیرات مثبت آن اشاره دارد که منجر به ایجاد فضایی برای بازسازی یا بازنویسی هویت^۱ می‌شود.

وایت (۱۹۹۰) بر پایه‌ی نظریه‌ی «قدرت و دانش» فوکو، روشی را در روان‌درمانگری ابداع نموده است که آن را «بیرونی‌سازی مشکل» می‌نامد. این روش به افراد کمک می‌کند تا دانش‌های واحد را که به عنوان عامل قدرت افراد را «وادار» می‌کنند تا زندگی خود را از طریق گفتمان‌های غالب که حقیقت را برای افراد تعریف و تبیین می‌کنند، شناسایی کنند و تلاش کنند که خود را با فاصله‌ای از این گفتمان‌ها تجسم کنند یا

^۱. Re-authoring Identity

از آنها فاصله بگیرند تا بتوانند به داستان زندگی خود از بیرون نگاه کنند و در مقام سوژه‌ی شناسا سرنوشت داستانی خود را بازنویسی کنند. وایت معتقد است «با تشویق افراد به شناسایی عقاید در مورد خود، دیگران و روابطشان، می‌توان دانش‌های واحد را در معرض دید قرار داد» (۳۰). او این شکل از قدرت را سرکوبگر دانسته همان‌گونه که فوکو آن را «مقهور کننده» می‌داند که از فرد «جسمی مطیع» می‌سازد که به راحتی قابل تغییر و استفاده است. این شکل از قدرت، افراد را به طور ناخودآگاه وادار می‌کند تا استانداردهای جامعه را که شامل انزوای مداوم، ارزیابی و مقایسه است، به انقیاد زندگی خود جذب کنند (کار ۲۰۰۱). همان‌گونه که در رمان *تصورات شن* می‌بینیم آن‌ها در مرحله‌ی اول توسط قدرت پدر ناخودآگاه به «جسمی مطیع» تبدیل می‌شود و سپس توسط شوهر مجبور می‌شود استانداردهایی که برایش تعریف شده را بپذیرد و سرانجام زندگی خود و خانواده‌اش را به نابودی بکشاند. طبق نظریه‌ی «بیرونی سازی مشکل» وایت، افراد می‌توانند با شناسایی و ساختارزدایی کردن این نوع از تجربه‌های آسیب‌زای زندگی که هم برای خود و هم برای جامعه مضر است خود را به راحتی از آنها جدا کنند. همان‌گونه که کریستین بیان می‌کند، برای سخن گفتن «اگر زبان شما قطع شده است باید داستان خود را به زبان دیگری بیان کنید» (۲۸۹-۲۹۰).

در رمان *تصورات شن*، خاطراتی که توسط اوما کریستینا بازگو می‌شوند به صراحت می‌توان گفت نشانه‌هایی از فرآیند درمان در آن‌ها دیده می‌شود؛ خاطرات و داستان‌هایی ناگفته در مورد جنسیت، نژاد و طبقه، که در تاریخ ناپدید شده‌اند، به تدریج آشکار می‌شوند. او تاریخ را با قصه‌های تخیلی خود می‌آمیزد تا از لحاظ هویتی به نوعی ثبات برسد. طبق روایت کریستین، قصه‌های او همه‌ی مشکلات را حل می‌کنند «بدون اینکه خللی در طبیعت معجزه‌گر جهان ایجاد کند» (۱۴). اوما می‌گوید: «من حافظه‌ی عجیبی دارم حتی گاهی خودم را شگفت زده می‌کند. من می‌توانم چیزهایی را به یاد بیاورم که هرگز اتفاق نیفتاده‌اند» (۱۳). این بدان معنا است که همه‌ی قصه‌های اوما برگرفته از تجربیات واقعی زندگی او نیست بلکه قصه‌های او ترکیبی از تخیلات ذهنی و یا اسطوره‌ای است. براساس تحلیل اس. تی. لورنس (۲۰۰۹)، روایت گذشته اوما کریستینا بدون انسجام و چندگانه است و بیشتر مبتنی بر احتمالات است تا انتقال واقعیت‌های ملموس که در زندگی تجربه کرده است. ناگفته پیداست که آنچه در بازگویی خاطرات اوما وجود دارد واقعیت آن‌گونه که رخ داده است نیست بلکه اوما تلاش می‌کند تجربه‌ی زیسته‌ی خود را به روایتی متفاوت به کریستینا و نسل او منتقل کند، به شیوه‌ای که ما می‌بینیم واجد جنبه‌های درمانی و التیام‌بخشی است. یکی از ویژگی‌های قابل تأمل داستان‌های اوما این است که واجد ویژگی‌های جادویی و افسانه‌ای هستند و این بیانگر تلاش اوما برای انتقال سنت داستان‌گویی ویژه‌ای است که ریشه در گرایشی ناخودآگاه به بیرونی سازی مشکل دارد. خاطرات و داستان‌های اوما در واقع فراتر از واقعیت‌های تلخی هستند که در ناخودآگاه جمعی زنان به صورت

عام و زنان آفریکانر به صورت خاص موجودند. به همین دلیل می‌توان آنها را در راستای بیرونی سازی و دیگری سازی مشکل تفسیر و تبیین کرد. نکات قابل تأملی در گفتگوی میان اوما و کریستینا به چشم می‌خورد:

اوما کریستینا، به من بگوئید در مورد زنی که موهایش به اندازه یک رودخانه است، دختری که خودش را در انبار کشت، زنی که قصر را ساخت، آن که مانند بوفالو قوی بود، کسی که زبانش بریده شد، کسی که از آب آمد و کسی که روی شن و ماسه نوشت.

اگر این رنج و عذاب شما را طولانی نخواهد کرد، لطفاً زنده بمانید تا زمانی که من در خانه هستم. من پس از این همه سال در راه بازگشتم. فراموش نکردم، خواهید دید. من به تک تک داستان‌هایی که می‌خواهید برایم بگوئید گوش خواهم داد: نگذارید آنها با شما بمیرند. من به خانه می‌آیم، به آن قلعه‌ی غیرواقعی در بیابان، اگر چیزی از آن باقی مانده باشد. من می‌آیم، خواهید دید من الان یک دختر بزرگ هستم. (۱۴)

سو کوسو عنوان می‌کند هدف از این‌گونه قصه‌سرایی این است که تاریخ از طریق «درک تخیلی» مناسب‌سازی شود؛ تاریخی که صدای زن در آن ساکت شده است. برینک نیز بر این مسأله تأکید می‌کند که «فقط با دیدن رویا و نوشتن غیرممکن‌ها می‌توان زندگی را بار دیگر ممکن کرد» (۱۱۵) به نقل از برینک، «ادبیات ما می‌تواند دوباره ممکن را کشف کند» (۲). هنگامی که اوما از کریستین می‌خواهد از خاطرات او یادداشت برداری کند کریستین از او می‌پرسد، «من فکر کردم شما می‌خواهید به من از حقیقت بگوئید» (۱۰۸). و اوما جواب می‌دهد، «نه من از شما خواستم بیایید تا بتوانم برای شما داستان تعریف کنم» (۱۰۸). او می‌گوید: «چیزهای زیادی برای گفتن وجود دارد. همه‌ی داستان‌ها. کل تاریخ» (۸۶).

در رمان تصورات شن، برینک تاریخ را از طریق قصه‌های خیالی بازگو می‌کند تا به این روش گذشته‌ی خاموش را به صدا در بیاورد. در بیشتر نوشته‌های او بازیابی، بازنویسی و تکرار تاریخ به چشم می‌خورد، «آن بخش‌هایی از تجربه‌ی گذشته که توسط سلطه‌ی سفیدپوستان خاموش شده است» (۲). طبق تحلیل گرزدا، این رمان اشاره به هویت سرکوب شده‌ی زنان سفیدپوست دارد و با ساختارشکنی روایت مردسالارانه، به کمک روایت‌های زنانه تلاش می‌کند از خطی بودن و از هرگونه احساس بسته بودن سرپیچی کند چون قسمت عمده‌ی این رمان براساس روایت خاطرات گذشته‌ی اوما، کریستین و حتی آنا شکل گرفته است و هر کدام از این زنان آفریکانر برای بازگویی تجربیات زندگی، شیوه‌ی خود را انتخاب می‌کنند. همچنین در این رمان ساختارشکنی زمانی صورت می‌گیرد که اوما به عنوان مادری دانا، مردها را زیرکانه از داستان خود حذف می‌کند. اینجا اوما همه‌ی مردهایی را که نام خانوادگی خود را روی زنان می‌گذارند زیر سوال می‌برد. زمانی

که کریستین از او می‌خواهد قصه‌ی خود را از ابتدا مثلاً از اولین ورود مولرها^۱ به کیپ^۲ شروع کند، او ترجیح می‌دهد از جایی شروع کند که مربوط به زنان است. کریستین می‌گوید:

او با عصبانیت پرسید: 'مولرها چه ارتباطی با آن دارند؟' 'مردها رو قاطی این ماجرا نکنیم. اونا قبلاً همه چیزو با جزییات تعریف کردن. داستان ما متفاوت است؛ همونطور که تا الان باید متوجه شده باشی داستان ما خطی نیست یعنی در یک خط راست اتفاق نمیفته. تو و انا برمی‌گردید به مادرتون، لویزا^۳، و اونم برمی‌گرده به من. و من قبلاً در مورد کسانی که قبل از من بودن، برات تعریف کردم.'

'راشل،^۴ پترونلا،^۵ وپنر،^۶ ویلهلمینا^۷ - فامیلیش چی بود؟'

'فامیلی هیچ اهمیتی ندارد. همیشه رو فامیلی خیلی حساب کرد. اونو به ما اضافه می‌کنن. هر بار که مردها پدر می‌شوند، مشتاقانه فامیلشونو به رخ می‌کشن.'^۱ (۱۵۹)

این ادعای او ما گویای تلاش هشیارانه‌ی او برای ساختارشکنی روایت‌هایی است که او و نسل‌های بعدی مانند کریستین را به لحاظ هویتی دچار آسیب نموده‌اند. او می‌داند که باید این داستان‌ها بازنویسی شوند و جایگاه خود و نقش خود در این داستان‌ها را تغییر دهند تا به لحاظ روانی و هویتی به سرنوشت آنا دچار نشوند. یکی از نقاط تمایز کریستین و آنا همین است که کریستین بر خلاف آنا مخاطب خاطره‌گویی و داستان‌گویی او ما قرار می‌گیرد و اینکه، شلی دیکسون به هدف آندره برینک درباره رابطه‌ی میان تخیل و نوشتن اشاره می‌کند و می‌گوید، در این رمان تلاش نمادین او ما کریستینا برای نوشتن قصه‌های او حکایت از برجسته سازی نقش روایت در جستجوی هویت و «حقیقت» دارد. خاطرات او به عنوان یک میراث، کریستین را قادر می‌سازد تا جایگاه خود را در دنیای خود به عنوان یک زن و به عنوان یک شهروند آفریقایی جنوبی (با پیشینه‌ای از آپارتاید که نه تنها از نظر نژادی فاسد بوده است بلکه از نظر نگاه به زن حتی زن‌های سفید پوست آفریکانر بسیار ظالمانه برخورد کرده است)، که به لحاظ تعلق به وطن دچار بحران هویت است؛ بشناسد و نیز به او اجازه می‌دهد تا روایت‌های خود را بسازد و «حقیقت» زندگی خود را کشف کند. یکی از ویژگی‌های قابل تأمل داستان‌های او ما همان‌گونه که خود او اذعان می‌دارد این است که آنها به هیچ وجه

1. Mullers

2. Cape

3. Louisa

4. Rachel

5. Petronella

6. Wepener

7. Wilhelmina

خطی نیستند یا به تعبیر دیگر نمی‌توانند خطی باشند. چگونه می‌توان از هویتی چنین پیچیده در تاریخ سه سده‌ی گذشته‌ی آفریقای جنوبی با روایتی خطی سخن گفت؟ حقیقت امر این است که اوما نیک می‌داند که بازسازی هویت زن در چنین پیش‌زمینه‌ای با داستانی سراسر واقع‌گرایانه غیرممکن است. به همین دلیل داستان‌های او غیرخطی و فراواقعی هستند زیرا تنها از چنین مسیری می‌توان پرده از پیچیدگی‌های هویتی برداشت و جایگاه متفاوتی برای زن آفریقای جنوبی به صورت عام و زن آفریکانر به صورت خاص جهت درمان او تبیین کرد.

خاطرات گذشته‌ی اوما در بخشی از کشف هویت و «حقیقت» زندگی کریستین دخالت دارد، بخش دیگر آن به موقعیت جامعه‌ای مربوط می‌شود که در آن زندگی می‌کند. او هویت خود را به عنوان یک زن در خارج از کشور کشف کرده بود، آن زمان که ترجیح داد از خانه دور شود و زیر بار سلطه‌ی پدر نرود تا در مورد جهان چیزهای بیشتری کشف کند. و حالا در کشور خودش به دنبال حقوق برابری بین زن و مرد، سیاه و سفید و یا همه انسان‌ها است. حتی در روند نوشتن خاطرات، او از اوما می‌خواهد در مورد مردها نیز صحبت کند که او با عصبانیت رد می‌کند. خاطرات اوما کمک می‌کند تا کریستین برای آینده تصمیم‌های بهتری بگیرد. کریستین اثبات می‌کند که او نه به این دلیل که در آفریقای جنوبی متولد شده است، برگشته است تا در آنجا ماندگار شود، بلکه به درخواست درونی خود «مانند کودکی که در رحم مادر است» (۳۰۴)، بدون هیچ‌گونه دخالت بیرونی، خود تصمیم گرفته است تا زندگی‌اش را در سرزمین مادری ادامه دهد. او می‌گوید:

در سال‌های دور، قبل از اینکه کشور را ترک کنم، فکر می‌کردم این چیزی است که برای من اتفاق افتاده است... درک من از بی‌عدالتی در کشور چیزی بود که مجبور شدم به خاطر آن کشور را ترک کنم... می‌دانستم که باید جلوتر بروم. کشف نیاز من به دیگران... من باید کار ارزشمندی انجام می‌دادم برای خودم و همه... چیزی که من به عنوان یک خالاً، یک فقدان، فضایی جدید در درون حس می‌کردم، شاید جایی و خالاًی برای عشق، عشقی که فراتر از یک شخص است: این شامل همان چیزی است که اکنون داشتم آن را می‌فهمیدم: نوعی درگیری سرنوشت ساز و معجزه آسا با همه از خوب و بد و بی‌طرف و زنده و مرده... من تنها نسل بعد از پیشینیانی که رفته‌اند نیستم: من به آنها وابسته‌ام همان‌گونه که به اوما وابسته‌ام و آنها نیز به من نیاز دارند. تاریخ نیرویی بیرونی نیست که مانند سیل ما را در نوردد بلکه به اندازه‌ی این بدن واقعی و فیزیکی است که با آرامش تمام گذشته‌های خود را در بر می‌گیرد، گذشته‌ی اوما، من و ما را. (۲۹۴-۲۹۵)

بازگویی خاطرات اوما به کریستین قدرت می‌دهد به گذشته‌ی مسئله‌دار خود دوباره فکر کند، آنها را ساختارزدایی کند تا از قدرت غالب جدا شود و داستان زندگی خود را آن‌گونه که دوست دارد روایت کند و هویت خود را از نو بسازد. البته در این نوع بازسازی هویت، از نظر روانشناسی، طبق استدلال کار، سه عامل

دخیل هستند: معنایی که مردم به تجربیات خود می‌دهند، زبانی که در آن توسط کلمات تجربیات زندگی روایت می‌شود و ساختارهای اجتماعی و وضعیت مردم در جامعه که مکانیسم‌های قدرت در آن دخیل هستند. طبق نظریه‌ی وایت و اپستون، نقش زبان در بازی کلمات با ایجاد پیش فرض‌ها و معنای ضمنی برای تولید دیدگاه چندگانه در درمان به کمک روایت از اهمیت زیادی برخوردار است. این روش درمانی به فرد اجازه می‌دهد برای بازگویی داستان زندگی، آنها را از «فیلتر آگاهی» خود عبور دهد که در این صورت، «ما» و «این» استعلایی^۱ جای خود را به ضمایر شخصی «من» و «تو»^۲ می‌دهند. این مسأله گویای این حقیقت است که مشکل از شخص فاصله می‌گیرد و در بیرون او قرار می‌گیرد. چیزی را که شخص سال‌ها بدیهی پنداشته است اکنون در بیرون از او و متفاوت از او در نظر گرفته می‌شود. کوسو به نقش زبان نیز در پیشبرد اهداف کریستین در رمان تصورات^۳ اشاره دارد. بر اساس تحلیل کوسو، کریستین با جابه‌جایی ضمایر مانند از «او» به «مال ما» و سپس «مال من» مشارکت تدریجی و ادعای تدریجی هویت را پیش می‌برد. کریستین روایت می‌کند، «داستان‌هایی که او ما کریستینا برای من تعریف کرده است: داستان‌های قدیمی، روایت‌های جدید از داستان‌های قدیمی، داستان‌های جدید؛ اما آنچه که قبلاً داستان پنداشته می‌شد ناگهان به تاریخ تبدیل می‌شود، تاریخ او ما، ما، من» (۱۱۸).

یکی دیگر از ویژگی‌های خاطرات او ما این است که به مخاطب اجازه می‌دهد تا به قدرت حافظه نیز پی ببرد. او ما، که یک پیرزن سالخورده‌ی در حال مرگ است، هنوز حافظه‌ی دقیقی دارد به گونه‌ای که با حالت نیمه هشیار نکته به نکته از گذشته‌ی خود روایت می‌کند و حتی اگر چیزی برای گفتن ندارد داستان‌های تخیلی خلق می‌کند. به نظر می‌رسد این تنها راهی است تا حافظه خود را تقویت و هویت خود را حفظ کند. او به خوبی می‌داند اگر حافظه‌اش را از دست بدهد، هویت او نیز خود به خود از بین می‌رود. بنابراین تداعی خاطرات او ما نوعی تمرین ذهنی برای عمل یادآوری است تا او برای پرسش «من کیستم» جوابی داشته باشد. اما علاوه بر جنبه‌ی درمانی، لورنس در رابطه با موضوع حافظه در این رمان به نکته‌ای دیگر اشاره می‌کند. استدلال او این است که کاربرد حافظه برای کریستین به عنوان شخص اول و راوی در شروع داستان حالت انتقام جویانه دارد، هنگامی که او تلاش می‌کند روابط جدید را در زمان فعلی طبیعی جلوه دهد. او به دنبال رفع نیاز به حافظه است ولی با تعبیر دیگری از حافظه مواجه می‌شود و آن «حافظه به مثابه‌ی وجدان است که مبنایی می‌شود برای بازسازی و جبران و در نهایت، بخشش و گذشتی که با فراموش کردن حاصل می‌شود» (۵۳ به نقل از میگهال).

1. Transcendental "we" and "it"

2. "I" and "you" of the personified person

از آنجایی که گذشته‌ی کریستین در کشور برای او پر از درد و رنج روحی بوده است، او هیچ‌وقت نخواسته است گذشته‌ی خود را به یاد بیاورد و یا همیشه آن را به زمان دیگری موکول کرده است. او می‌گوید اجازه می‌داد «تا حافظه راه خود را پیدا کند» (۲۶). زمانی که مخاطب خاطرات و داستان‌های او می‌شود، این آمادگی را پیدا می‌کند و به حافظه‌ی خود به عنوان منبع ذخیره‌ی گذشته رجوع می‌کند و به این ترتیب او علاوه بر راوی حال، راوی گذشته نیز می‌شود. این همان «نتایج منحصر به فرد»^۱ در روایت درمانی وایت است که با تخلیه‌ی افکار منفی و آسیب‌زا به دست می‌آید. میگوئل م. گونکالوس و همکارانش به پنج عنصری که در ایجاد «نتایج منحصر به فرد» نقش موثری دارند اشاره می‌کنند: شامل «عمل، تأمل، اعتراض، تصور مجدد و تجربیات جدید»^۲ که اجازه می‌دهند یک روایت زندگی جدید ایجاد شود (۷). طبق نظریه‌ی وایت، «نتایج منحصر به فرد» حاصل فرآیند «ساحت رویداد»^۳ و «ساحت معنا»^۴ است، تکنیکی که در طی فرآیند درمان به آن جنبه‌ی ادبی نیز می‌بخشد. وایت این تکنیک را از عناصر داستانی یک روانشناس در حوزه‌ی آموزش به نام جرومی برنر^۵ اقتباس کرده است. در این روش افراد طی برون‌ریزی مشکل موفق می‌شوند فن بیان خود را تقویت کنند و داستان‌های جدید زندگی خود را جایگزین داستان‌های غالب آزار دهنده کنند. برای بازنویسی داستان زندگی، «ساحت رویداد» عهده‌دار عناصری مانند حوادث، توالی‌ها، زمان و طرح داستان است و معانی، تأثیرات، ارزیابی و توجیه توسط «ساحت معنا» هدایت می‌شوند. هر دو ساحت، انگیزه، اهداف، قصد، امید، اعتقاد و ارزش‌ها را در داستان ارتقاء می‌دهند (پاین ۲۷). ساحت رویداد همان تکنیک است و شخص می‌تواند با تکنیک‌های داستان‌نویسی تمرین کند و از این طریق رویدادهای داستان زندگی خود را به اختیار جایگزین کند و تعلیق را جابه‌جا کند. او همچنین از این طریق می‌تواند قهرمان و شخصیت‌های داستان زندگی خود را تغییر دهد و جای فاعل و مفعول را در جمله‌هایش تغییر دهد تا فاعلیت و عاملیت را تغییر دهد.

۳. نتیجه‌گیری

یکی از دغدغه‌های اصلی بیشتر رمان‌های برینک، هویت (چه فردی، قومی، ملی و ...) است. او برای حل بحران هویت، طرح پرسش می‌کند و پاسخ آن را در خاطره‌ها و تجربیات گذشته و یا در داستان زندگی شخصیت‌ها در رمان‌هایش جستجو می‌کند. گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند آفریکانرها در آفریقای جنوبی پس‌آپارتاید به ویژه در آثارش نمود بیشتری دارند هر چند که نگاه فرا قومی و فراملی او را به شکلی

1. Unique outcomes

2. Action, reflection, protest, reconceptualization and new experiences

3. Landscape of action

4. Landscape of consciousness

5. Jerome Burner

گسترده می‌توان در آثارش دید. بعلاوه، موضوع و درون مایه‌ی آثار او اغلب حول محور خاطره و حافظه می‌چرخد تا از رابطه‌ی میان آنها و هویت افراد پرده بردارد و نقش آنها را در بازسازی هویت مخدوش قومیت‌ها در آفریقای جنوبی که به لحاظ تنوع قومی بسیار حائز اهمیت است، نشان دهد. هر چند که کار برینک به عنوان یک رمان‌نویس بیشتر معطوف به خلق آثار تخیلی و هنری است اما این جنبه را در آثار او نمی‌توان نادیده گرفت.

در رمان *تصورات شن*، که به صورت کلی بر اساس خاطره‌گویی، داستان‌گویی و بازخوانی حافظه شکل گرفته است، برینک می‌کوشد هویت زن آفریکانر که مانند هویت‌های متعدد دیگر که در نظام آپارتاید سرکوب شده است را بازسازی کند. در این رمان شخصیت‌ها به لحاظ سن، جنسیت، نژاد و طبقه در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف قرار می‌گیرند و هر کدام داستان زندگی را از زبان خود و یا از طریق راوی روایت می‌کنند، داستان‌هایی که برگرفته از تجربیات گذشته، تاریخ و زندگی روزمره‌اند. آنها داستان‌سرایی را به عنوان مرهمی برای زخم‌های روحی گذشته که توسط شخص یا نهاد آسیب دیده‌اند، انتخاب می‌کنند. در این میان بهترین نتایج به لحاظ تأثیر، از خاطرات اوما کریستینا، مادر بزرگ سالخورده، حاصل می‌شود. خاطرات او نه تنها هویت زن را در آفریقای جنوبی به چالش می‌کشد بلکه به کریستین قدرت و جرأت می‌دهد تا به خاطرات آزار دهنده‌ی گذشته‌ی خود مراجعه کند و پس از تجزیه، از افکار منفی غالب جدا شده و داستان‌های خوش‌بین به آینده را جایگزین آنها کند. حتی کریستین معتقد است چون آنا خاطرات مادر بزرگش اوما را نشنیده بود در زندگی گم‌گشته و در نهایت دست به قتل و خودکشی زد.

بررسی رمان *تصورات شن* بر مبنای نظریه‌ی بیرونی‌سازی مشکل وایت و اپستون این حقیقت را نشان می‌دهد که یکی از راهکارهای مهم برای کمک به بازسازی هویت افراد و قومیت‌هایی که به لحاظ هویتی آسیب دیده و به حاشیه رانده شده‌اند، استفاده از داستان‌گویی به شیوه‌های متفاوت از کلیشه‌های موجود است. به عنوان نمونه داستان‌های اوما به لحاظ فنی دارای ویژگی‌های غیر واقعی و جادویی هستند. انتخاب این روش با این هدف انجام شده است که شخصیت‌ها از ساختارهای مألوف و معمول داستان‌گویی که شخص را در همان جایگاه‌های کلیشه‌ای هویتی قرار می‌دهند فاصله گرفته و برای او جایگاه‌های متفاوت و غیر معمول تعریف کنند تا بتواند رابطه‌ی خود با مشکلش را بازبینی کند و سرانجام بتواند آن را در بیرون از خود و غیر از خود تصور کند. همان‌گونه که پیشتر بحث شد، این رویکرد با افراد آسیب دیده‌ی روانی سروکار دارد و اساس کارش بهبود بخشیدن به سلامت ذهنی و روانی آنها است. علاوه بر این، روایت درمانی متمرکز برگرفته‌ی قدرت مدرن برای زیر سوال بردن عدالت اجتماعی و حمایت از افراد به حاشیه رانده شده نقش موثری ایفا می‌کند. کمبز و فریدمن (۲۰۱۲) اظهار می‌دارند که درمانگران اجتماعی در اجتماعات اقلیتی

گزینه‌های زندگی را که توسط نظام و یا فرهنگ غالب به افراد تحمیل شده را مورد بررسی قرار می‌دهند و از آن دسته گزینه‌ها حمایت می‌کنند که برای زندگی افراد مطلوب‌اند. در این رمان نیز به همین شیوه، شخصیت‌های زن رمان با داستان‌های فرا واقعی تلاش می‌کنند از قالب‌ها و نگاه‌های تحمیلی که به آنها نقش‌های کلیشه‌ای داده‌اند فاصله بگیرند و به لحاظ هویتی طرحی نو دراندازند.

References:

- Berner, Robert Lee. "South Africa, Writing in a State of Siege: Essays on Politics and Literature/Mapmakers: Writing in a State of Siege by André Brink." *World Literature Today*, vol. 58, no.3 (1984): 461.
- Bezdoode, Zakarya, and Nojournian Amir Ali. "André Brink's *Other Lives*: A Narrative of Afrikaners' Identity in Post-Apartheid South Africa." *Critical Language and Literary Studies*, 3.2 (1390): 1-23.
- Brink, André. "Commitment (1): Writers as Mapmakers." *Index on Censorship*, vol. 7, no. 6 (1978): 26-30.
- . *Imaginations of Sand*. New York: Harcourt Brace & Company, 1996.
- . *Mapmakers: Writing in a State of Siege*. London: Faber and Faber, 1983.
- . "Our Literature Can Rediscover the Possible." *The Weekly Mail & Guardian Review*, vol. 12 (1993): 24-30.
- Brittan, Alice. "Reading Sex and Violence in André Brink's *Rumors of Rain* and *A Dry White Season*." *Tydskrif Vir Letterkunde*, vol. 42, no. 1 (2005): 55-77
- Carr, Alan. "Michael White's Narrative Therapy." *Contemporary Family Therapy*, vol. 20, no. 4 (1998): 485-503.
- Coetzee, John M. "André Brink and the Censor." *Research in African Literatures*, vol. 21, no. 3 (1990): 59-74.
- Combs, Gene and Jill Freedman. "Narrative, Poststructuralism, and Social Justice: Current Practices in Narrative Therapy." *Sage: The Counseling Psychologist*, vol. 40, no. 7 (2012): 1033-1060.

- Tano, Djaha N'de. "The Voice of White Women before the Apartheid Legacy in André Brink's *Imaginings of Sand*." *En-Quête*, vol. 29 (2015): 114-127.
- Diala, Isidore. "Biblical Mythology in André Brink's Anti-Apartheid Crusade." *Research in African Literatures*, vol. 31, no. 1 (2000): 80-94.
- . "André Brink: An Aesthetics of Response." *Tydskrif Vir Letterkunde*, vol. 42, no. 1 (2005): 5-30.
- Dixon, Shelley. "'Stories or history?' Female Counter Narratives in André Brink's *Imaginings of Sand*." *Journal of the Australasian Universities Language and Literature Association*, vol. 101 (2004): 39-70.
- Dobošová, Jela. "Calvinism in the Context of the Afrikaner Nationalist Ideology." *Asian and African Studies*, vol. 78, no. 2 (2009): 305-323.
- Freedman, Jill and Gene Combs. *Narrative Therapy: The Social Construction of Preferred Realities*. New York: Norton, 1996.
- Goncalves, Miguel M., Marlene Matos, and Anita Santos. "Narrative Therapy and the Nature of 'Innovative Moments' in the Construction of Change." *Journal of Constructivist Psychology*, vol. 22, no. 1 (2009): 1-23.
- Gordimer, Nadine, et al. "South African Writers Talking: Nadine Gordimer, Es'kia Mphahlele, André Brink." *English in Africa*, vol. 6, no. 2 (1979): 1-23.
- Gordon, Colin. ed. *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977* Pantheon: New York, 1980.
- Grzęda, Paulina. "Novels of Transition: Counter-Narratives in André Brink's *Imaginings of Sand*." *Anglica: An International Journal of English Studies*, vol. 21, no. 1 (2012): 75-94.
- Horn, Anette, and Peter Horn. "Female Genealogies in André Brink's *Imaginings of Sand*." *Tydskrif Vir Letterkunde*, vol. 42, no. 1 (2005): 104-116.

- Jungert, Michael. "Memory, Personal Identity, and Memory Modification." *Selbstgestaltung des Menschen durch Biotechnologien*. Edited by Ranisch R et al. Tübingen: Francke, 2015. 129-140.
- Kosew, Sue. "Reinventing History; Reimagining the novel: The Politics of Reading André Brink's *Imaginings of Sand*." *Journal of Literary Studies*, vol. 13, no. 1-2 (1997): 113-126
- Lourens, Saskia Theodora. *Writing History: National Identity in André Brink's Post-Apartheid Fiction*. Diss. Universiteit van Amsterdam (host), 2009.
- Louw, P.P. "The Sestigers: A Post-Mortem." *Bole*, vol. 9 (1973): 19-35.
- Lund, Giuliana. "Black Death, White Writing: André Brink's *The Wall of the Plague* as a Narrative of National Reconciliation." *Safundi: The Journal of South African and American Studies*, vol. 12, no. 2 (2011): 149-177.
- Madigan, Stephen, and L. Grieves. "Re-considering Memory: Re-remembering Lost Identities Back Toward Re-remembered Selves." *Narrative Therapies with Children and Adolescents*. Edited by Craig Smith and David K. Nylund. *Narrative Therapies with Children and Adolescents*. New York: Guilford Press, 1997. 338-355.
- Mighall, Robert. *A Geography of Victorian Gothic Fiction: Mapping History's Nightmares*. Oxford: Oxford University Press on Demand, 2003.
- Nelson, Anton. "André Brink Offers Insight into the Afrikaner's Dilemma." *Africa Today*, vol. 33, no. 1(1986): 45-47.
- Payne, Martin. *Narrative Therapy: An Introduction for Counsellors*. London: Sage Publications, 2006.
- Ross, R. G. "The Fundamentalisation of Afrikaner Calvinism." *Onderscheid en Minderheid: Sociaal-Histoische Opstellen over Discriminatie en Vooroordeel*. Edited by H. Diederiks and G. C. Quispel. Hilversum: Verloren, 1987. 201-222.

-
- Taheri, Faezeh and Mahboobeh Fahimkalam. "Epistolary Works by Eric Emmanuel Schmitt; Narrative Therapy Function and Theism Induction." *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 25, no. 1: (2020): 61-76.
- Sumrall, William, Reid Sumrall, and A. D. Doss. "A Review of Memory Theory." *International Journal of Humanities and Social Science*, vol. 6, no.1 (2016): 23-30.
- White, Michael, and David Epston. *Narrative Means to Therapeutic Ends*. Adelaide: Dulwich Centre Publications, 1990.
- Wixted, John T. "Remembering and Forgetting." *Handbook of Research Methods in Human Operant Behavior*. Edited by K. Lattal and M. Perone. New York: Plenum Press, 1998. 263-289.